

پژوهش‌های علمی و تحقیقاتی
سال هفتم علوم انسانی

ایران شناسی

- تازه‌ها و پاره‌های ایران‌شناسی (۷) / ایرج افشار
- از چشمه خورشید (۳) / دکتر هاشم رجب‌زاده

قازدها و پاره‌های ایرانشناسی (۷)

نامه بازرگانی ایرانی از روزگار تیمور

در مجموعه Studia Orientalia (یادنامه D. H. Baneth) نشر شده در سال ۱۹۷۹، متن نامه‌ای از روزگار امیر تیمور گورکان توسط ش. شاکد چاپ شده است که در کتابخانه دانشگاه کمبریج (OR. 1080 Box 6.30) نگاه داری می‌شود (ص ۲۳۹ - ۲۴۲). این نامه از اسکندریه به قاهره نوشته و چون در آن ذکری از گیلان و سلطانیه شده است احتمال می‌رود نویسنده و گیرنده نامه از مردم آن صفحات می‌بوده‌اند و در مصر تجارت می‌کرده‌اند. نوشته آنطوری که در کتاب آمده است چاپ می‌شود. در مواردی که میان عکس مکتوب و صورت چاپ شده تفاوتی مشاهده شد در پاورقی گفته می‌شود. شاکد حروف بی نقطه را با نقطه و پ و چ فارسی را به تمام نقطه و موارد ذال فارسی را با نقطه نقل کرده است. او گاف را همه جا به یک سرکش آورده ولی درینجا برای سهولت خواندن با دو سرکش آورده شده است.

چون کتاب مذکور در ایران و در دسترس محققان نیست مناسب دید نامه مذکور را نقل کند.

پس فضل تقدم شاکد نباید ناگفته بماند.

اینک متن نامه

۲. خدمت خواجه معظم مکر^۱ [سه چهار کلمه سیاه شده] الایادی والنعم
۳. خواجه حاجی ابایزید کردی اعزه الله تعالی فراوان سلام و دعا
۴. ازین محب مخلص و هواجوی متخصص بمحل قبول فرماید، آرزومندی
۵. متجاوز الحدو الوصف شناسد، توفیق [ملایک] محترمین^۲ باد بمحمد و آله
۶. بعدها^۳ معلوم گردد که بنده را مبلغی زر نزد حاجی زین الدین مقبل
۷. بود و چون بنده بشهر اسکندریه رسیدم از حاجی عماد ساوجی
۸. عوض این^۴ مبلغ را گرفتم و بخدمت مخدومی نوشته بو [د] که
۹. آن مبلغ را که نزد حاجی زین الدین مقبلست بحاجی عماد رسانید
۱۰. اکنون حاجی زین الدین مقبل این مبلغ زر را بشهر اسکندریه فرستاده است
۱۱. پیش شمس الدین ابن مزلق اکنون ابن مزلق می گوید که ویرا
۱۲. در قاهره زر هست اگر چنانچه مصلحت می فرماید اعلام
۱۳. کنید که کاغذ^۵ از آن ابن مزلق را بستانیم که این^۶ مقدار
۱۴. مبلغ بحاجی عماد ساوجی رسانند اکنون متوقعست که
۱۵. کرم کرده او را نگذارید که بزحمت افتاده قاصدی اینجا
۱۶. بفرستد بل که از لطف فرموده از پیش خود این^۷
۱۷. مقدار مبلغ بحاجی عماد ساوجی برسانید^۸ و بنده را
۱۸. اعلام فرمایید^۹ تا این^{۱۰} وجه را بمخدومی حواله کرده شود که
۱۹. آنجا از مال ابن مزلق بستانید و اگر نه بنده این^{۱۱} مبلغ را
۲۰. از ابن مزلق گرفته بخدمت مخدومی فرستاده شود
۲۱. هر چون که اشارت عالی ارزانی فرمایید^{۱۲} هر چه زوتر
۲۲. اعلام فرمایید^{۱۳} که بر موجب فرمان مخدومی کرده شود

۱- این کلمه می باید مکرم باشد.

۲- معنی ندارد. کلمه ای که به احتمال ملایک خوانده شده شاید ملاقات یا ملازمت باشد.

۳- بعد ما درست است

۴- آن درست است. البته در حاشیه توجه داده است که میان آن و این مشتبه است.

۵- کاغذ

۶- نقطه یاء ندارد و شاید برسانند بهتر باشد.

۷- فرمایند درست است. در نسخه فقط نقطه نون ضبط شده است.

۸- در نسخه بی نقطه است. فرمایند بهتر می نماید.

۲۳. دیگر معلوم شود که کشته^۱ از روم رسید و بنده را عزم روم هست
۲۴. و از برای خرجی روم چیزی نداریم زیرا قماش اسکندریه
۲۵. خرج روم نیست بل که آنجا مروارید و نیل و نوشادر
۲۶. مطلوبست و استماع افتاد که در شهر بورصا یک پاره
۲۷. نیل شصت^۲ فلوری می خرید^۳ اکنون مخدومی کرده ده پاره نیل
۲۸. و صد کاسه نوشادر و دو غلبه خرز و از مروارید
۲۹. هر چه دست دهد از بابت صدی و صد و بیستی
۳۰. و صد و پنجاهی بدست خواجه زین الدین مقبل بخرد
۳۱. و ارسال فرمایید و می باید که هر چه زودتر کار خود را
۳۲. آنجا بگه گزارده بدین طرف بیایید^۴ که متوجه روم شویم
۳۳. دیگر همه احوال خود را باز نمایید^۵ تا تسلی خا[طر]^۶ شود
۳۴. ان شالله تعالی.^۷

۳۵. تحیت (؟) المشتاق

۳۶. (محمد عماد بن طالب) [...] و صلو علی سیدنا محمد وآله و صحبه و سلام^۹

۱۱۶

حاشیه

۱. دیگر حاجی خواجه عوض فراوان سلام قبول فرمایند و از اینجا [س؟]^{۱۰} کودکان سلام می رسانند و مشتاق عظیم می باشند
۲. و خواجه حافظ نخجوانی فراوان سلام می رساند و مشتاق می باشد
۳. و از^{۱۱} قماش ما را که پیش خواجه شاه دین نهاده است [بنده]^{۱۲} آن را بصد مثقال خریده است.

۱- کشتی ۲- اصل: بشتت

۳- اصل بی نقطه است. می خرند بهترست نه می خرید که شاید طبع کرده

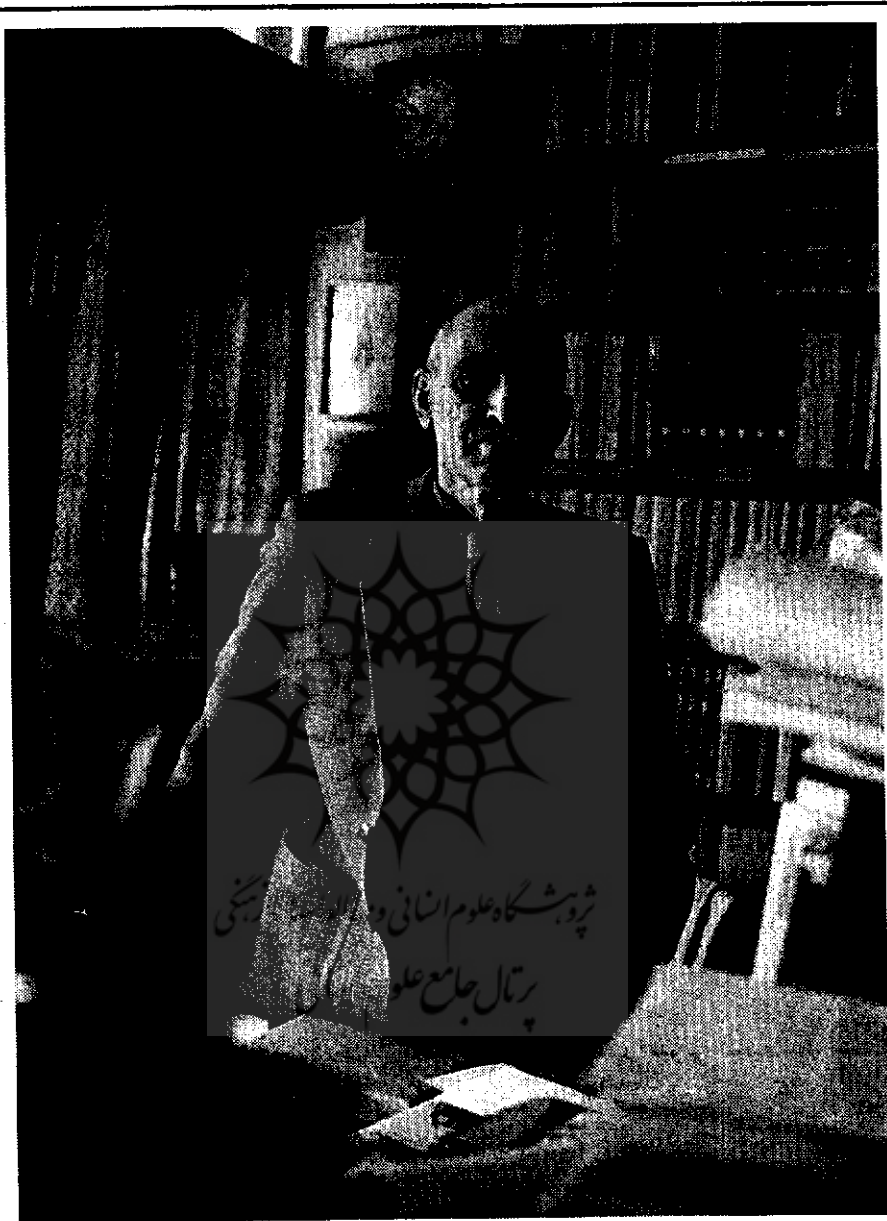
۴- در اصل نقطه نون هست پس بیایند درست است

۵- مصرحاً نمایندست ۶- حاصل درست است.

۷- ان شاء الله تعالی (به خط تعلیق) ۸- حدس زده نشده

۹- اصل: و سلامه ۱۰- کذا: ظاهراً از ینجانب درست است

۱۱- اصل: و آن ۱۲- ظاهراً و



ایرج افشار

(عکس از مریم زندی)

۴. اگر می‌توانید که به آن مقدار بفروشید یا کمتر از این^۱ به پنج شش مثقال
۵. هم بفروشید و اگر نه خود لطف کرده با خود بیاورید
۶. تقصیری نکنید والسلام.
۷. خواجه معظم حاجی حصر^۲ فراوان سلام^۳
۸. قبول فرماید و این^۴ خریدگی از این بنده را
۹. هر چه خریده باشد با خود بیاورید و اگر نه بحاجی با این^۵ تسلیم کنید که با خود بیاورد.

حاشیه دیگر

۱. دیگر اگر زر آنجا شما را دریا بست باشد ابن مزلق را
۲. آنجا زرهست از اینجا مکتوب ویرا بستانیم که بشما
۳. برسانید^۶ و اگر نه خود زر اینجایگه حاضر است
۴. وقتی که مخدومی اینجا سلامت برسد بستاند
۵. و معلوم گردد که شخصی از گیلان آمده است و می‌گوید که
۶. مدة هفت ماهست که از گیلان بدر آمده است. احوال
۷. گیلان و سلطانیه و آن طرفها امنست و آرزانیست
۸. و امیر تمور در قزلباغ بوده است والسلام.

۱۱۸

حق التألیف سی ساله

شنیدم سرکار بانو دکتر مهدخت معین به مناسبت اینکه سال دیگر سی سال از درگذشت شادروان دکتر معین می‌گذرد و ناشوان آزادانه می‌توانند آن را چاپ کنند مقاله‌ای نوشته‌اند و فرموده‌اند قانون حق مؤلف را می‌باید اصلاح کرد.

قانون حق مؤلف که در دوره گذشته از مجلس گذشت برگرده و اصولی تنظیم شده است که کم و بیش در ممالک مترقی مرسوم است قاعده سی سال هم مأخوذ از یکی از چنان

۱- آن

۲- بی‌نقطه است در نسخه و چاپ، ولی می‌باید خضر باشد

۳- بندگی درست است

۴- آن

۵- در نسخه پارس (۴)

۶- در مقاله به برساند اصلاح شده است و این صورت درست است.

مملکتهاست. فلسفه اینکه برای حق مادی تألیف مدت معین می‌کنند (سی سال یا سی و پنج و یا پنجاه) برای آن است تا کتابی که مورد استفاده جامعه می‌تواند قرار بگیرد آسان‌تر و ارزاتر در دسترس باشد. سی سالی که قانون در نظر گرفته است ملاحظه یک نسل درجه اول است که بتواند از حقوق مادی برخوردار شود.

اما آنچه خطر دارد و می‌باید در قانون با شدت تمام مورد توجه و حمایت قرار گیرد حقوق معنوی مؤلفان گذشته است. آنچه در آشفته بازار کنونی هرگونه اجحافی نسبت به آن دیده می‌شود. دیوان حافظ تصحیح قزوینی و غنی را درین سالها به انواع و اقسام و اشکال و صور ممکن چاپ می‌کنند و بر روی آنها به منظور فریب دادن مردم می‌نویسند تصحیح قزوینی و غنی. همین رویه را ناشران بارها و بارها پس از وفات مرحوم محمدعلی فروغی تا اکنون نسبت به کلیات سعدی و اجزاء آن مرتکب شده‌اند. نسبت به همه تصحیحات محمد قزوینی همین ناروایی شده است و...

اگر باید قانون را اصلاح کرد ضرورت دارد به نوعی ناشران را مکلف کنند که رعایت وضع علمی و معنوی تألیف اصلی بشود و تصرفات بیجا نسبت به آن تألیفات نشود.

اینکه گفته‌اند بعد از سی سال چاپ تألیفات آزادست به این معنی است که این حق جنبه عمومی و ملی می‌یابد. پس حق ملت و مردم است که نسبت به خلاف کارهای ناشران ایراد کنند و مدعی العموم مملکت مکلفاً باید حافظ و ناظر اعمال خلاف رویه باشد. تصور می‌شود در قانون می‌باید به روشنی راههای حفظ حقوق مؤلفان قبلی و مجازات نسبت به خلاف کارها تعیین شود.

امروز وظیفه محققان و مصححان متون کهن آن است که متنهای گذشته را به حد ممکن به اصل نوشته مؤلف نزدیک کنند، در حالی که ناشران گستاخ مؤلفات و آثار مؤلفان نزدیک به عهد ما را از اصل خود دور می‌سازند. گر تو ببینی شناسیش باز.

نگرانی خانم معین می‌باید ازین حیث باشد که در فرهنگ پدرشان تصرفات و اغتشاش اعمال نشود و پر غلط و مخدوش به چاپ نرسد.

نکته دیگری که می‌باید هنگام آزاد شدن کتابها منظور داشت موضوع بها گذاری کتاب است. بر مبنای مخارج آن بدون حق تألیف. در حالی که برای بنده زیاد غیر مسلم نیست که عرفاً و معمولاً ناشران در قیمت گذاری کتابهایی که حق تألیف برای آنها نمی‌پردازند همان گونه عمل می‌کنند که برای کتابی که حق تألیف آن را پرداخته باشند.

همراه نخستین شماره فصلنامه طاووس جزوه راهنمای موزه‌ها، فرهنگسراها و گالریهای ایران به دستم رسید. جزوه زیبا و مفیدی است.

همه نامه‌های موزه‌ها را که حالا به لفظ فارسی گنجینه نامیده می‌شوند مرور کردم و یادبودهای خود را از موزه‌هایی که دیده‌ام در ذهن مرور کردم. ملتفت شدم نامی از موزه محسن مقدم درین فهرست نیست. درنیافتم چرا. چرا از قلم افتاده است.

مرحوم محسن مقدم خانه خود را و عتیقه‌هایی را که داشت بر دانشگاه تهران وقف کرد. آن قدر که به یاد دارم نیتش بر آن بود که آنجا موزه‌ای باشد و مورد دیدن مردم قرار بگیرد.

بیست و دو سال است که خبری ندارم نسبت به آنجا چه رفتاری شده است. شاید دوستان اسماعیل جمشیدی که با مرحوم مقدم دوست بود و کتابی خوب درباره برادر مهندس (یعنی حسن مقدم مشهور به علی نوروز) نوشته بود خبری داشته باشد و چیزی بنویسد.

دانشگاه‌های معتبر جهان قدر املاک و آثاری را که از جانب خیر خواهان بر آنها وقف می‌شود می‌شناسند و نام آن اشخاص را بر صدر می‌نویسند و به بهانه‌های مختلف در یاد کرد آنها می‌کوشند و نام آنها را زنده نگاه می‌دارند. محسن مقدم و همسرش سلما حاصل زندگی خود را به دانشگاه بخشیدند ولی دانشگاه یک جزوه ده صفحه‌ای منتشر نساخته است تا همگان بدانند که آن دو فرزانه به ملت ایران چه داده‌اند.

۱۲۰

یادگار رضا در کتابخانه دانشگاه

از روزگار جوانی با نام فضل‌الله رضا که بر پشت جلد کتاب «راز آفرینش» (تهران، ۱۳۲۲) چاپ شده بود آشنا شدم. نخستین نوشته دلپذیر خواندنی بود که از قلم او خواندم. آن زمان در شعبه ادبی دبیرستان فیروز بهرام درس می‌خواندم. خزانه‌دار انجمن ادبی و مسؤول ففسه‌های کوچک و کم کتاب کتابخانه بودم. کتاب رضا متعلق به آنجا بود.

سالها و سالها گذشت تا اینکه ایشان به ریاست دانشگاه تهران منصوب شد، پس ازین که دکتر جهان‌شاه صالح معزول گونه به استعفا تن در داد. پرفسور رضا تحصیلات دانشگاهی را در همین دانشگاه انجام داده بود. با تشکیلات آن بیگانه نبود. او سالهای دراز بود که در امریکا به تحصیل و تدریس و تحقیق مشغول بود و دو سه سالی بود که به دعوت وزارت علوم و آموزش عالی به ایران بازگشته بود.

ایشان در دانشگاه تهران کوشید تحولی را در امور اداری پیش آورد. بدین منظور به شکل دانشگاه‌های آمریکا جلسات مشورتی اداری از متصدیان دوائر اجرایی ترتیب داد. این کار در دانشگاه تهران حتی در دوره دکتر جهان‌شاه صالح که فرهیخته دانشگاه‌های آمریکا بود مرسوم

نمود. پیش از رضا ترتیب بدین صورت بود که رؤسای دانشگاه، مسؤولان اداری را جدا جدا می‌خواستند و دستورهایی را که لازم می‌دانستند می‌دادند. مسؤول اداری اگر کاری ضروری پیش می‌آمد وقت می‌گرفت و به دیدن رئیس می‌رفت.

من در آن موقع تصدی امور مربوط به انتشارات و کتابخانه مرکزی دانشگاه را در عهده داشتم و درین جلسات ترتیبی رضا مشارکت می‌کردم و با خلق و خوی ایشان از نزدیک آشنایی می‌گرفتم.

چون ساختمان کتابخانه مرکزی که در دوره دکتر صالح آغاز شده بود رو به پایان می‌رفت روزی خدمتشان یادآور شدم برای پیشانی سر در ورودی رو به جنوب کتابخانه مناسب است شعری یا عبارتی گزیده شود تا به کاشی تهیه و نصب شود. بی‌درنگ بیت زیبا و معنی آفرین ادیب پیشاوری را خواند و گفت تصور می‌کنم گویا و مناسب کتابخانه است. همان بیت را محمد احصایی به خط خوش نوشت و به کاشی معرق بر آنجا نصب شد. بیت مذکور از خاطر من محو شده بود تا اینکه دیروز به شماره ۴۹ مجله «ره آورد» می‌نگریستم. دیدم که ایشان یادداشتی کوتاه درباره آن قصیده نوشته است، این طور:

«در زمانی که بنده رئیس دانشگاه تهران بودم بنای کتابخانه جدید آن پایان می‌یافت. با مسؤولان مشورت و به ایشان توصیه کردم که این شعر بلند ادیب پیشاوری را بر کاشیهای بالای کتابخانه درج کنند:

کسی کو زدانش بود توشه‌ای

جهانی است بنشسته در گوشه‌ای»

رضا به جنبه فرهنگی دانشگاه کاملاً اهمیت می‌گذارد. جز تدریس و تحقیق به فعالیت‌هایی که موجب رواج قلمرو فرهنگی دانشگاه می‌بود توجه داشت. با رضا و رغبت به نمایشگاه‌هایی که در آن اوقات به عنوانهای «کتاب قدیم اروپایی درباره ایران - عکس رجال و مناظر ایران در قرن سیزدهم - یادگارهای پنج استاد (علی اکبر دهخدا، محمد قزوینی، ابراهیم پورداود، عباس اقبال و سعید نفیسی) تشکیل شد آمد و صحبت کرد. جزین علاقه مندی خاص به مصاحبت علما و فضلا داشت؛ بدین منظور جلسات ناهار ماهانه ترتیب می‌داد که دانشمندانی چون مجتبی مینوی، مدرس رضوی، حبیب یغمائی و... را به آن محفل دعوت می‌کرد.

روز دیدین

کاتب نسخه خطی کتاب عربی المقتدی به فی النحو المبتدی تألیف ابوالحسن علی بن سعید الزیدی، در پایان آن سال و روز تحریر را به رقمی آورده است که برای گاه شماری ایرانی ارزش

دارد و حکایت از آن می‌کند که تا اواخر قرن پنجم مردم مازندران با آن گونه تاریخ گذاری مانوس می‌بوده‌اند. کاتب ابی الحسین الرویانی است. رویان نام ناحیتی بزرگ از طبرستان بوده است. او تاریخ تحریر نسخه را چنین آورده: بُکرة (صبح زود) الجمعة فی اوایل شهر ربیع الآخر بماء خرداد روز دیدین فی سنة و ثمانین و اربعمائة. (۴۸۵)

این نسخه در فهرست نسخه‌های خطی موجود در آلمان تألیف S. Schoeler چاپ سال ۱۹۹۰ ص ۲۴۹ و عکس ۱۳ معرفی شده است.

در لغت نامه دهخدا دو شاهد برای دیدین آمده است. یکی از مسعود سعدست، این بیت:

دیدین است و دین مرد خورد

آن شناسد که لعل باده خورد

دیگر ذکر آن کلمه است در کتاب المضاف الی بدایع الازمان (ص ۵۰). ولی این تاریخ که به دست کاتبی بر جای مانده است ارزشی بیش و دیگر دارد.

شرط انتقال مواجب

در میان اوراق خاندان انتظام السلطنه پاکتی دیدیم که مربوط به میرزا عیسی وزیر بوده است. بر روی این پاکت به خطی شبیه به خط امین السلطان این دستور عجیب از ناصرالدین شاه نقل و ضبط شده بود.

هو - جناب امین السلطان - هر کس بخواهد مواجب خودش را به دیگری بدهد حق ندارد مگر تومانی هفت هزار را تقدیم نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وامق و عذرا

بو اوتاس Bo Utas استاد زبان فارسی دانشگاه اوپسالا (سوئد) که شاگرد نوبرگ آیرانشناس مشهور بود و در دانشگاه اصفهان هم تحصیل کرده بود چند روزی به تهران آمد و تجدید دیداری شد. از او پرسیدم چه می‌کنی. گفت اکنون به تحقیق در وامق و عذرای عنصری مشغولم، براساس آن ابیاتی که محمد شفیع پیدا کرد و به چاپ رسانید. گفت راجع به این داستان روزی با یکی از محققان ادبیات یونانی قدیم صحبت می‌کردم. معلوم شد متنی شبیه به آن، اما بطور ناقص در زبان یونانی باقی مانده است و اکنون بر ما مسلم شده است که منشأ این قصه یونانی است. با دوست یونانی دان خود در پی آن هستیم که به نتایج قطعی برسیم.

در صفحه ۱۵۵ شماره پیش نام آقای بارفتنی (در مطلب مربوط به روزنامه‌های محمد رضائی) افتاده است. ایشان یکی از دو مدیر کتابفروشی شمس بود، آن کتابفروشی در دوران فعالیت خود مهمترین محل خرید و فروخت کتابهای دست دوم بود. آقای بارفتنی - هر کجا هست خدایا به سلامت دارش با دختر مرحوم محمد رضائی وصلت کرده بود و در انتقال مجموعه مذکور به دانشگاه تهران همت مخصوص مبذول داشت.

اسکندرنامه‌ها

محقق جوان از شهر ژم در پی آن است که قصه‌های اسکندر به زبان فارسی را بشناسد و بشناساند. نام او Mario Casari است. رساله دکتری او به همین موضوع اختصاص دارد و زیر نظر آنجلو پیه مونتسه آن را تألیف می‌کند.

فعلاً متن رساله دوره فوق لیسانس خود را که هم در موضوع قصه اسکندرست به زبان ایتالیایی به چاپ رسانیده:

Alessandro e Utopia nei Romanzi Persiani Medievali (Roma, 1999).

درین رساله چگونگی وصف اسکندر را در آثار فردوسی، نظامی، طرطوسی، امیرخسرو نمایانده است.

نسخه بیابانی

با یکی از نسخه شناسان اروپا صحبت از انواع نسخه‌های خطی اسلامی و مقام و منزلت نسخه اقدم و اصح و ارجح و امثال آن بود. و بالمآل چاپهایی از متون که براساس آن چنان نسخه‌ها و البته مبتنی بر روش علمی و با ذکر همه نسخه بدلهای و کیفیات ضروری چاپ می‌شود. دوستم نمونه شایسته، برجسته و بدون تردید معتبر را از میان متون جغرافیایی عربی چاپهای عالم نادر الممثال دخویه هلندی ذکر کرد. او معتقدست که آن مرد مثلاً در پیدا کردن نسخه‌ها و سنجش آنها با یکدیگر و درست آوردن ضبط نسخه‌ها ممارست کافی معمول داشته است. گفتم تردیدی در سخن شما نیست و هیچ متن جغرافیایی بهتر از آنها تاکنون عرضه نشده است، ولی... گفت چرا ولی. گفتم برای آنکه مرحوم دخویه به نسخه خطی اساسی بی‌خداشه و مضبوط که مطابق اصل مؤلف می‌بوده دست‌رسی نداشته است. جز آن معلوم نیست مؤلف هم در ضبط اسامی جغرافیایی موفق می‌بوده است. گفت چرا.

گفتم دو مثال می‌آورم تا مشخصات نسخه مورد نظر خود را بهتر بتوانم بشناسانم. ادامه دادم که مرحوم دخویه در بخش مربوط به کرمان نام یک رودخانه و آبادی نزدیک آن را در متن جنز

رود ضبط کرده است. این کلمه از لحاظ مبانی زبان شناسی و نام شناسی جغرافیایی نادرست نیست زیرا در آذربایجان نام گنز داریم و در مصر جزره. ولی نام این جا آنطور که هنوز در تداول عمومی است چترودست. آیا ممکن است جنز رود به چترود بدل شده باشد. پس ضبط نسخه‌های مسالک و ممالک غلط بوده است.

دیگر آبادی کوچکی است به نام انجیره بر سر راه یزد به طبس. این آبادی هنوز برجاست. اما در مسالک و ممالک چاپ دخویه آبخیزه ضبط است. این کلمه درست است و معنی دارد، ولی نام آبادی مورد نظر نیست. چون نسخه‌ها چنان خوانده می‌شده دخویه چنان ضبط کرده است. گفتم من از ناحیه ورارود خبری ندارم. نام همه آبادیهای خراسان را نمی‌شناسم و نمی‌دانم. لذا با مطلع شدن از نام محلی می‌توان متون جغرافیایی را تصحیح کرد. پس نسخ خطی بعضی از علوم در کتابخانه‌ها نیست، در بیابان است. کما اینکه اسامی محلی گیاههایی را که در نسخه کتاب اختیارات بدیعی آمده است می‌باید از زبان روستائیان و بیابانیان منطقه فارس شناخت.

دیوار چین کتابخانه‌ها

آقای ابراهیم مدرسی تلفظ فرمود که به فلان کتابخانه مراجعه کرده‌ام و تقاضای داشتن عکسی از نسخه عکسی تذکره السلسله با دادن هزینه آن کرده‌ام. ولی گفته‌اند می‌باید معرفی نامه داشته باشی. ایشان که بحمدالله با سلامت حال به هشتاد سالگی رسیده‌اند و سالها تدریس کرده‌اند و از نویسندگان جراید بوده‌اند سرو وضعشان نشان می‌دهد که اگر به دنبال تحقیق نبودند به آن کتاب احتیاج نداشتند. فتوکپی یا فیلم و عکس گرفتن چرا احتیاج به معرفی نامه دارد. شناسنامه مگر معرفی نامه نیست. این قید و بندهایی که کتابخانه‌ها برای این گونه امور معمولی ایجاد کرده‌اند موجب سد راه گسترش ایران‌شناسی است. نمی‌دانم به کی باید گفت تا چاره‌ای برای این گونه نابسامانی‌هایی که خلاف هیاهوی «اطلاع رسانی» است بیندیشند. نام کتابخانه را نیاردم ازین باب که آن کتابخانه بزرگ می‌بایست نمونه باشد برای کتابخانه‌های دیگر.

تصور می‌کنم کتابخانه‌های ملی، مجلس، مرکزی دانشگاه، ملک، آستان قدس که کتاب خطی دارند می‌باید اصول یک نواخت و همسانی را انتخاب کنند و به صورت آئین‌نامه به اطلاع عموم برسانند و مورد عمل قرار دهند تا محققان متون و کتب قدیمی به راحتی بتوانند از آنها بهره‌وری پیدا کنند. فعلاً به علاقمندان ستم روا می‌دارند.

فتوحات عالمگیری

از کتابهای فارسی که در هندوستان چاپ می‌شود دیر آگاهی پیدا می‌کنیم. آن کتابها به ایران

نمی‌رسد و منحصر طریق اطلاع‌یابی فهرست‌هایی است که دانشگاه هاله در آلمان منتشر می‌کند. از دفتر اخیر فهرست آنجا معلوم شد که این دو کتاب را دریافت کرده و به مخزن کتابخانه افزوده‌اند.

- 1) Amir Khusru: India as seen by Amir Khusru in 1318 A.D. Transl. by R. Nath and Faiyaz Gwaliari. Jaipur, Historical Research Documentation Programme. 1981. 142 p.
- 2) Ishwar Das Nagar: Futuhat - i Alamgiri. Persian Text and English Translation by M. F. Lokhandwala, Ed. by Raghbir Simh. Vadodara, Oriental Institute. 1995.

الخزانة الشرقية

درین قرن، در بلاد عربی دو دانشمند بودند که بیش از سایر هم‌زبانان خود به مباحث تاریخ مدنی - فرهنگی رو آوردند. یکی احمد تیمور پاشا بود در مصر و دیگری حبیب زیات در لبنان. نوشته‌ها و مقالات حبیب زیات بیشتر در مجله معروف «المشرق» که از انتشارات مجمع تحقیقاتی آباء مسیحیان لبنان (بیروت) است به چاپ می‌رسید. زمانی که خودش در حیات بود مجموعه‌هایی از آنها را به نام الخزانة الشرقية در پنج جزوه منتشر کرد. این اجزاء سالها بود که نایاب شده بود و اخیراً توسط مکتبه السانح در طرابلس در یک مجلد به چاپ دوم رسیده است (۱۹۹۹).

بعضی از مقالاتی که درین مجموعه گرد آمده برای مطالعات ایرانشناسی مفید و مخصوصاً در تحقیقات متون فارسی به کار آمدنی است. آنها را برای علاقه‌مندان خودمان بر می‌شمارم. امتیاز نوشته‌جات زیات به آن است که هر چه نوشته است مبتنی به اطلاعاتی است قابل اعتماد و اعتناء. همه مأخوذست از متون عربی اصیل و قدیم. مثلاً مقاله‌ای دارد درباره سبب لبنان. در آن پژوهش نشان می‌دهد ذکر این سبب - که امروزه مشهورست - در کتاب سمرالسمار فی لیالی الاقمار آمده است، یا در نفع الطیب یا در مروج الذهب یا در اساس البلاغه یا در روضة القلوب و نزهة المحب و المحبوب و در الاوراق صولی و جز اینها - یعنی همه از متون دیرینه سال. (ص ۳۲ - ۳۳). مقصود آن است که با کنجکاوی توانسته است معرفی فرهنگی و مدنی و تاریخی از میوه‌ای بکند که در سراسر جهان کنونی ناموری دارد.

در جزو دوم بحثی درباره تفاح (سیب) دمشق دارد. باز از «سمرالسمار» شاهد می‌آورد. نیز به نقل از نزهة الشام نام انواع سیب را چنین ذکر می‌کند: سکری، مسکی، فتحی صیفی (تابستانی)، فتحی زمستانی، بلدی، قاسمی، قحابی، فضی، حدیسی، جنائی، حرستانی، حلوانی، دهشاور، اخلاطی، قصری، بربری، نبطی، ماوردی، بطیخی، کلاً چهار صفحه درباره سبب دمشق تفصیل

داده است.

درباره زردالوی دمشق هم مقاله‌ای دارد. الوان آن را چنین یاد کرده است حموی، اویسی، سندیانی، عربیلی، کافوری، خراسانی، بعلبکی، لقیس، لوزی، وزیری، دغشمشی، کیلابی، سلطانی، حازمی، ایدمری، منینی، بردی، بلدی، ملوح، ضراط، البخاتی، ملاحظه می‌فرمائید که نوعی از زردآلو در شامات به خراسانی شهرت داشته است. حتماً زردالویی بوده است که از خراسان به آن نواحی برده بوده‌اند. در میان نامهایی که دیدیم ممکن است بعضی‌ها مانند وزیری، کافوری مشترک می‌بوده با آنچه در صفحات ایران رواج می‌داشته. شاید لقیس هم مناسبتی با قیسی داشته باشد که در ایران نامبردار است. چه بسا که لقیس صورت مصحف و محرف قیسی باشد. کلاً پنج صفحه درباره زردالو مطلب دارد.

معرفی خوبی از کتاب الطبایح تألیف جمال الدین یوسف بن حسن بن عبدالهادی الصالحی الدمشقی متوفی در ۹۰۹ دارد و اسامی عده‌ای اغذیه را از آن کتاب نقل کرده. در میان آنها الفاظ بورانی - جزیره (= گزریه) - رز برشتا - ربیاسیه - زیر باج - شش برگ - تتماج - کشک - کشکک - نارنجیه - هریسه قابل توجه ما می‌تواند باشد و حکایت از ارتباط مدنی خوراکیها میان ما و بلاد عربی می‌کند، یعنی آنهایی که از ایران بدان جانب وارد شده است.

مقاله «نان برنج» تحقیق دقیقی است درباره نانهایی که از برنج می‌ساخته‌اند. پس ناچار از طبرستان و خوزستان به مناسبت یاد کرده است.

زیات مقاله‌ای دارد درباره پول کاغذی (دراهم الکاغذ) یعنی «چاوه» که در عهد ایلخانان در تبریز ایجاد شد ولی دوام نگرفت. منبعش درین باره کتاب معروف الحوادث الجامعة است و رحله ابن بطوطه. زیات چون فارسی نمی‌دانست طبعاً چیزی از متون فارسی درین باره به دست نیاورده است.

مقاله‌ای درباره آداب غذا خوردن در اسلام دارد. آنجا ذکر کرده است که قدما کتابهایی را درین باره نوشته بوده‌اند و در مآخذ ذکر آنها آمده است مانند کتاب ادب الموائد تألیف قاضی حسن بن عبدالرحمن را مهرزی یا کتاب ادب الطعام و الشراب از ابی نصر اصبهانی. البته او چون این هر دو کتاب به عربی می‌بوده است می‌خواهد افتخارش را پای همزبانان خود بگذارد و نادیده بگیرد که آن دو مؤلف دو ایرانی بوده‌اند یکی از رامهرمز و یکی از ایران و طبعاً تربیت ایرانی داشته‌اند. مقاله مستقل پر مطلبی هم درباره طبایحی در اسلام دارد که در آن عقیده ایرانیان (فارسیه) درباره سرد و گرم بودن اغذیه (از عیون الاخبار ابن قتیبه) و اسامی زیادی از خوراکیهای مرسوم در عهد عباسی را که به زبان فارسی است نقل کرده است. او موقعی که این مقاله را می‌نوشت چون هنوز کتاب ابن وراق چاپ نشده بود سراسر فهرست مندرجات آن کتاب را در مقاله خود آورده

است.

یکی از مقالات او دربارهٔ کودکشاورزی است از باب عرضه کردن اطلاعاتی که قدما درین باره داشته‌اند و در کتب خود به دست داده‌اند. او همه را از متون و مأخذ عربی عنوان کرده است. کاش فارسی می‌دانست و از آثار و احیاء رشید الدین فضل‌الله و ارشاد الزراعه هم بهره برده بود. امروزه در زبان فارسی، مقالات مهم و اساسی هوشنگ اعلم دربارهٔ ادویه و گیاهان و حیوانات آنهاست که ازو در دانشنامهٔ جهان اسلام (به فارسی) و در دانشنامهٔ ایرانیکا (به زبان انگلیسی) منتشر می‌شود. امیدوار می‌باید بود که به تدریج نوشته‌های کم مانند او در قلمرو مطالعات دانشمندان عرب زبان رواج بیاید و از چند و چون قضایای مربوط به این گونه مباحث در میان ایرانیان آگاهی بیابند

درگذشت مردیت اونس

مردیت اونس (نام خانوادگی) از ایرانشناسان انگلیسی است. چند سال مسؤول بخش کتب خطی فارسی و عربی در کتابخانه موزه بریتانیا بود و ذیل بر فهرست مشهور ریو را نوشت، یعنی نسخه‌های خطی فارسی که کتابخانه بعد از ریو خریده بود و فهرست نشده بود. ایشان بعد به کانادا رفت و به کتابداری در دانشگاه تورنتو اشتغال داشت. شنیدم متأسفانه سال گذشته درگذشته است.

او یک بار به ایران سفر کرد و آن به هنگام تشکیل نخستین کنگرهٔ ایرانشناسی در سال ۱۳۴۵ بود. به همراه جز پیرسن بدین سفر آمد. پیرسن رئیس کتابخانه مدرسهٔ مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن بود. این دو در آن روزگار در انگلستان کتابداران برجستهٔ برای مجموعه‌های شرقی بودند.

بهای چاپهای قدیمی

تازه‌ترین فهرست Het Oosters Antiquarium که در اکتبر ۱۹۹۹ نشر شده است، به دستم رسید. مؤسسه‌ای که ناشر آن است بخش کهنه کتاب فروشی بریل است. آنجا از چند سال پیش نام Smits Kamp Oriental Antiquarium را بر خود نهاده است. این مؤسسه کهنسال از سال ۱۶۸۳ به این کار مشغول شده است. سیصد سال بیشتر، پدر بر پسر این مؤسسه را سر پا نگاه داشته‌اند.

بگذریم، فهرست حاوی معرفی ۲۰۵۴ کتاب قدیمی است که شصت و پنج تا از آنها نسخهٔ خطی است و بقیه چاپی.

بهای کتابهای قدیمی حیرت آورست. یک کتاب یکصد و چهار صفحه‌ای دربارهٔ مباحث نجومی و تاریخی و سالشماری براساس زیچ الغ بیگ که در سال ۱۶۵۰ به تحقیق J. Gravius چاپ شده است هفت هزار و دویست فلورن است یعنی حدود سه هزار دلار. جان گراویوس استاد دانشگاه اکسفورد بوده است. گراویوس دستور زبان فارسی هم نوشته بود (۱۶۴۹). نسخه‌ای از دستور زبان فارسی تألیف ویلیام جونز چاپ ۱۸۰۱ لندن را نزدیک یکهزار و نهصد دلار معین کرده است.

عکس فرصهٔ الدوله

در شمارهٔ پیش از عکس فرصت الدوله یاد کردم و می‌بایست به چاپ رسیده بود. چون در لیتوگرافی فراموش شده است اینک آن دو عکس که مورد بحث بود در اینجا به چاپ می‌رسد

IRAN

مجلهٔ ایران نشریهٔ مؤسسهٔ بریتانیائی مطالعات ایرانی است:

The British Institute of Persian Studies

این مجله سالی یک شماره منتشر می‌شود. هر شماره میان یکصد و پنجاه تا دویست صفحه است. مقالاتش در هر زمینه‌ای می‌تواند باشد مشروط بدان که مربوط به ایران تاریخی و ادبی باشد. فهرست مقالات سه شمارهٔ اخیر مربوط به سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ را که به تازگی به دستم رسیده است برای اطلاع علاقه‌مندان درج می‌کنم.

گزارش حفاریها و بررسیهایی که طبق طرحی بین‌المللی در شهر تاریخی مرو انجام می‌شود درین سه شماره مندرج است. شمارهٔ گزارشها اکنون به هفت رسیده است. طبعاً مندرجات این گزارشها جنبهٔ باستانشناسی دارد.

شمارهٔ ۳۵ (۱۹۹۷)

B. W. Robinson هنرشناس برجستهٔ قلمرو بلاد اسلامی مقاله‌ای دارد دربارهٔ نسخهٔ مصور

خمسهٔ امیر خسرو دهلوی کتاب ۹۸۹.

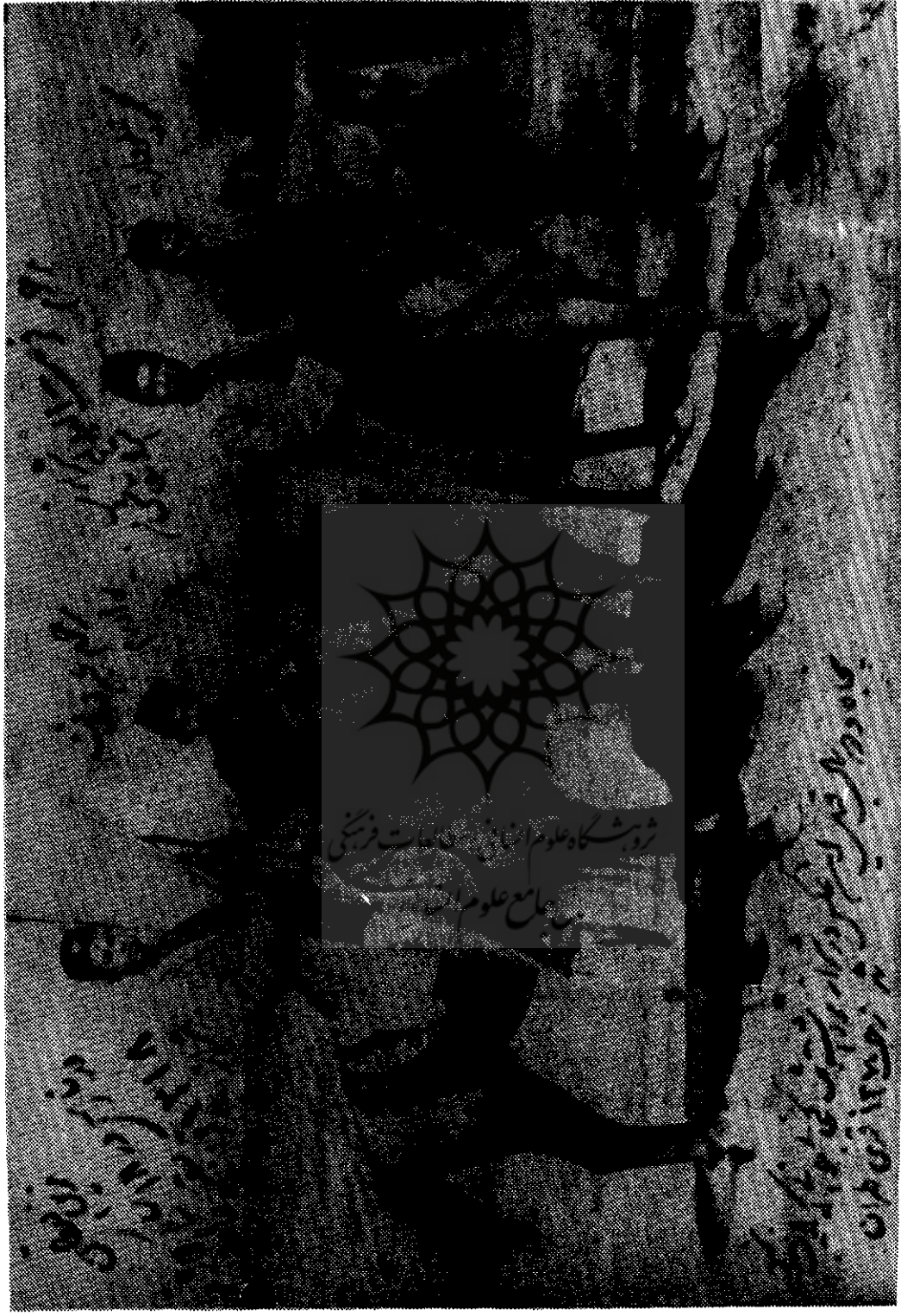
مقالهٔ بعدی گزارش حفاریات ناحیه‌ای است بر کنار آمودریا زیر دریاچهٔ آرال. این محل تاش قرمان نام دارد. حفاریات از سال ۱۹۹۵ شروع شده است.

مقالهٔ جعفر مهرکیان از میراث فرهنگی ایران دربارهٔ نقش صخره‌ای ایلامی است در شیوند از محال ایذه (مالمیر). این نقش را ایشان یافته و شناسانده است.



● عکسی است از جدم مرحوم مبشرالدیوان که از روی نقاشی رنگ و روغن گرفته تقدیم جناب ایرج افشار می‌دارم. مرحوم مبشرالدیوان علاوه بر مرتبت والای ادبی مقام ارجمندی در طب جدید داشته که شادروان فرصت الدوله شیرازی در آثار عجم، صفحه ۵۳۶، به آنها اشاره داشته است. رحمة الله علیها. نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند خدای عز و جل جمله را بیمارزد خسرو طغرل ۱۳۷۸/۱۰/۲۰ نوشته ذیل عکس که ناخوانا افتاده این است:

«مرحوم میرزا محمد علیخان مبشرالدیوان کاشانی متخلص به غبار در سندی ۱۲۵۱ در کاشان متولد و در شوال سنه ۱۳۲۱ در خمسه جهان فانی را وداع گفت»



مؤسسه عالی علم و ادب
 مرکز تحقیقات و نشر
 تهران

تقدیم به جناب آقای ایوب افشار خسرو طغرل ۱۳۷۸/۱۰/۲۰

بجاوردن قریب یکصد روز کار بر این کتاب در این مؤسسه
 به یاد روز ۱۳۷۸ قریب تهران



● عکسی است از مرحوم جهانشاه خان امیر افشار که مرحوم پدر کشیده است. جهانشاه خان جد مادری من است. بدوست دانشمند جناب آقای ایرج افشار تقدیم شد. خسرو طغرل ۱۳۷۸/۱۰/۲۰

طبق جدولی که ایشان از سنگ نگاره‌های ایلامی درین مقاله تدوین کرده است از سال ۱۸۴۱ که نخستین آنها توسط لایارد انگلیسی شناسانده شد تا کنون هجده تا از این دست آثار کهن به دست آمده. مهرکیان خود درین ده ساله سه نقش را کشف کرده است.

مقاله پاتریا بیکر P. Baker درباره کشتی‌گیری و لباس مخصوص آن کارست. نمونه لباسی را که در موزه ویکتوریا و آلبرت (لندن) نگاه داری می‌شود معرفی کرده است.

معرفی کتیبه مسجد قاضی در شهر مچهی وره در پنجاب شرقی به قلم Subhash Panihan ما را از نفوذ کلمات فارسی در آن منطقه آگاه می‌سازد. کتیبه مورخ ۹۲۳ است.

مقاله بعد تحلیل فصل نوروژ در کتاب بحارالانوار است. نویسنده مقاله John Walbridge نام دارد.

خانم ماریا زوپه M. Szuppe از ایرانشناسان نامور مقیم پاریس نسخه‌های خطی فارسی مجموعه سرهارولد بیلی را معرفی کرده است. بیلی استاد زبانهای ایرانی و سانسکریت بود. این مجموعه در همان کمبریج در سازمان هند و ایران قدیم نگاه‌داری می‌شود. بیلی خود نخستین رئیس آنجا بود.

رابرت ماسون R. Mason موزه‌دار تورنتو مقاله مفصل و روشمندی نوشته است درباره سفالینه‌های لعابدار و نقش‌دار ایران و دسته‌بندی آنها. مخصوصاً آنها که در گرگان و ری و کاشان ساخته می‌شد. جدولی که در مقاله درج شده حکایتی است از دقت و ممارست نویسنده و آموزنده برای دانشجویان ایرانی.

وستا سرخوش کارتیس Vesta Sarkhosh Curtis با همکاری جان سمپسون J. Simpson یادداشتهای مربوط به تازه‌های باستانشناسی ایران را نوشته است. مفصل‌ترین مطلب این بخش درباره حفريات بندیان درگزست که مهدی رهبر انجام داد. آنچه از زیر تپه خاکی آنجا در آورده‌اند مربوط به عصر ساسانی است.

شماره ۳۶ (۱۹۹۸)

در آغاز دکتر جان گرنی سوکنامه درباره جان کوپر Cooper. نوشته است. کوپر در زمینه ایرانشناسی و اسلام شناسی از کسانی بود که در قم تحصیل کرده بود.

مقاله جان بوردمان Boardman. درباره مهرهای مربوط به آناتولی است. آنها که علاقم روی آنها ایرانی و از دوره هخامنشی است.

مقاله دیوید فرنچ D. French درباره راههای آسیای کوچک پیش از عصر رومیها و از عصر آنهاست. به دنباله اش راه شاهی ایران را موضوع بحث خود قرار داده است. منبع او تواریخ

هردوت است. همچنین از دیودور نیز استفاده کرده است.

جان کرتیس J. Curtis. موزه‌دار موزه بریتانیا صحنه عرابه گردانی منقور بر تخت جمشید را مورد بحث علمی قرار داده است.

مقاله ایرج ملک مشیری ریزه کاری تازه درباره سکه‌های ساسانی است.

درهمهای آغاز اسلام ساخت مرو عنوان مقاله‌ای است که با همکاری متخصصی از عشق آباد و سکه‌شناسی از اکسفورد نوشته شده است. ضمیمه آن فهرستی است از درهمهای عصر ساسانی به بعد، با ذکر اینکه هر یک از کدام شهرست.

طرز جریان سکه‌های طلا و نقره و مس میان بیزانس و دولت ساسانی به قلم اسفن هایدمن S. Heideman و نظریه صوفیان در مورد شتر به قلم لوید ریدگان L. Ridgeon، اوضاع ساختمانهای تاریخی و آثار باستانی هرات در جنگ افغانستان به قلم اولیویه تیرار کولت O. Tirard - Collet از مقاله‌های دیگر این شماره است.

سیمون دیگی S. Digby سرگذشت و تأثیرات باباسعید پلنگ پوش و بابا محمد مسافر را براساس منابع نقشبندی مطرح و دوران اقامت آنها را در هندوستان توضیح کرده است. مقاله‌ای است مفصل و مستدل.

سردنیس رایت D. Wright که زمانی سفیر انگلیس در ایران بود مقایر انگلیسها را در شهرهای ایران شناسانده است.

استفانی کرونین S. Cronin بحثی را درباره وسایل و منابع نگارش تاریخ ایران جدید پیش می‌آورد. مرادش از روزگار مشروطیت است تا روزگار بر افتادن سلسله پهلوی. این نویسنده همان است که کتاب مفصلی درباره قشون جدید ایران برآمده به دست رضاشاه نوشت. آن کتاب ترجمه شده است.

به مانند هر شماره، درین شماره هم گزارش حفاریات و پیشرفتهای باستانشناسی به قلم وستا سرخوش کرتیس مندرج است. این گزارش نویسیهای گزیده ولی ژرف و زبده که غالباً همراه است با بعضی اطلاعات کتابشناسی، برای ما ایرانیان هم مفیدست.

شماره ۳۷ (۱۹۹۹)

موضوع مقاله کامیار عابدی بررسیهای مقدماتی از حفاری در منطقه اسلام آباد غرب است. ابوالعلاء سودآور که از متخصصان نسخه‌شناسی مزین است در مقاله مفصلی به مسائل انتقالی نقاشی میان مغول هند و صفوی پرداخته است.

ویلیام فلور W. Floor هلندی وضع زاهها و منازل آنها میان بندرعباس تا اصفهان در عهد

صفوی را براساس منابع اروپایی و برخی نوشته‌های ایرانی با به دست دادن جدولی گویا رسیدگی کرده است.

اندرو نیومن A. Newman امریکائی ولی استاد دانشگاه ادینبورگ با توجه به کتاب حدیقه الشیعه چگونگی احوال صوفیان در دوره صفویه را به قلم در آورده.

ناپلئون و ایران به قلم ایرج امینی طبعاً چکیده‌ای است از کتابی که ایشان به همین عنوان انتشار داد.

عنوان مقاله دکتر هوشنگ شهابی «از تصنیفهای انقلابی تا سرودهای میهنی» است. او این موضوع را از عصر مشروطیت تا دوره رضاشاه توضیح کرده است

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان مخصوصاً با عنایت به رساله احمد کسروی درباره قیام شیخ محمد خیابانی، تحلیلی از آن جریان را به نگارش در آورده.

دنباله مقاله سر دنیس رایت و مقاله‌ای از Juan Cole در مورد بهائیت از مندرجات دیگر این شماره است.

پس درین شماره پنج مقاله به قلم ایرانیان است. آنچه در دوره‌های پیشین ایران معمول نبود.

یادآوری

از مشترکین ارجمند سال گذشته بخارا و علاقمندان جدید خواهشمند است از راه لطف، و به منظور پشتیبانی از مجله‌ای که به زبان فارسی، فرهنگ و تحقیقات ایرانی اختصاص یافته است وجه اشتراک سالانه را قبل از خرداد ۱۳۷۹ پرداخت فرمایند.

مجله از درآمد اشتراک می‌پاید و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند.